

متن پرسش

با عرض سلام خدمت استاد عزیز و مهربانم! نمیدانم که چرا هر وقت توبه میکنم کار برعکس میشود. میخواهم کینه را کنار بگذارم انگار یک وزنه سنگین به پایم می‌بندند. درباره حسادت هم همینطور و... اما وقتی در حالت توبه نیستم اعصابم راحت تر است. وقتی توبه میکنم دچار عدم تعادل میشوم. میخواهم مثلاً غیبت نکنم، اما بر عکس بیشتر غیبت میکنم و... آیا این حالت طبیعی است؟ برای عبور از این حالت و توبه را نشکستن باید چکار کنم؟ باتشکر از زحمات شما استاد بزرگوار م!

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به گفته مولوی: «آب گل خواهد که در دریا رود / گل گرفته پای او را می‌کشد» اگر کسی قصد عبور از کثرت به دریای وحدت نداشته باشد که متوجهی این همه خیالات که در درون او بود نمی‌شود! به گفتهی مولوی باید رنج‌ها و بلاها کشید و خون دل‌ها خورد تا روح، از این کثرات آزاد شود. گفت: «بس بلا و رنج بایست و وقوف / تا رهد این روح صافی زین حروف. این حروف واسطه ای یارِ غار / پیش سالک خار باشد خارِ خار». عمده آن است که متوجه باشید هر وقت که انسان اتفاقاً پای در راه گذارد، مشکلاتش که پنهان بود، آشکار می‌شود و این خود، نشانهی در راه‌بودن است. باید با صبر و پشتکار از این مشکلات عبور کرد. ۲- هر اندازه انسان متوجه نور توحیدی باشد که مقابل او گشوده شده، بهتر نسبت به عبور از گناهان مصمم می‌شود. موفق باشید